

اخوان المسلمین - دایره المعارف
اسلام چاپ ترکیه -

اخوان المسلمین - دایره المعارف اسلام چاپ ترکیه -

اخوان المسلمین نام جریانی است که بر اساس مقابله با استعمار و اجرای دستورات اسلام در سال 1928م در مصر توسط شخصی به نام حسن البنا تشکیل شد. این جریان در طول دوران خود فراز و نشیب های فراوانی داشته و در مسائلی هم اشتباهاتی را مرتکب شده است. اخوان المسلمین در خارج از مصر هم در کشورهای چون سودان، سوریه، فلسطین، اردن و... گسترش یافته است. در مقاله حاضر به نحوه تشکیل این جریان و اهداف آن و گسترش آن در جهان اسلام اشاراتی می شود.

در مارس 1928 در اسماعیلیه، توسط حسن البنا و با نام جمعیت الإخوان المسلمون تشکیل شد. تا 1932 در شهرهای حاشیه ی کانال سوئز طرفداران بسیاری یافت و شعبه هایی از آن در آن مناطق تشکیل شد. سال 1932 اداره ی مرکزی این جمعیت به قاهره منتقل شد. از این تاریخ به بعد امر سازماندهی آن در سراسر کشور شتاب گرفت و در طول یک سال، تعداد شعبه هایش به رقمی نزدیک به پنجاه عدد رسید. همزمان با آن مبلغانی به سوریه، لبنان و فلسطین گسیل شد و به تبع آن در آن کشورها نیز سازماندهی جمعیت اخوان المسلمون تداوم یافت. مؤسسان و مبلغان تشکیلات در ساختمان شعبه ها، مساجد و دیگر اماکن اجتماعی به تخاطب با مردم پرداخته و دعوی خود را اعلام نمودند. تقریباً از 1933، به برگزاری کنگره های سالانه و تشریح استراتژی های خود پرداختند. به مناسب دهمین سالگرد تأسیس در اجاق 1939، در پنجمین کنگره ی سالانه، رئیس جمعیت، اهداف، دعوت و فعالیت های این سازمان را تبیین نمود (این سخنرانی با نام رساله المعتمر الخامس چاپ شده است). در این دوره هفته نامه الإخوان المسلمون (1933-1938) و مجله ی النظیر (1938-1939) منتشر شد.

در طول جنگ جهانی دوم، اعضای اخوان از جنگیدن در کنار انگلیسی ها سر باز زدند و به این ترتیب از سوی حکومت تحت فشار قرار گرفتند. تشکیلات اخوان از همکاری انگلیسی ها با صهیونیسم و مسلح کردن آنها و در نتیجه تصاحب خاک فلسطین و تشکیل دولت خود در آن سرزمین اندیشناک بود. به این سبب در سال 1940 تصمیم بر ایجاد لشکری جهادی و سری برای خارج کردن انگلیسیها از مصر و آزادی فلسطین گرفتند و همان سال نظامنامه ی این لشکر را تحت عنوان التعالیم تنظیم و منتشر نمودند. این ارگان مسلح در سال 1948 تأسیس و تحت نام النظام الخاص (الجهاز السری) شناخته شده بود.

ششمین و آخرین کنگره ی اخوان المسلمین روز 9 ماه اجاق سال 1941 برگزار گردید و توافق شد از این تاریخ به بعد گردهمایی اعضای مؤسس در نشست های عمومی تحقق پذیرد. در آخرین کنگره وضعیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی مصر مورد مباحثه قرار گرفت و در نهایت اعضا تصمیم بر این گرفتند که برخی از طرفداران تشکیلات برای راهیابی به پارلمان نامزد شوند. از این طریق امید می رفت فعالیت های حزب که به سبب فشار دولت و تدبیر ارگان های چاپ و نشر و تبلیغ دچار وقفه و سخته شده بود، حیاتی نو بگیرد. در نتیجه ی این تصمیم، تشکیلات برای نخستین بار به عنوان نهادی سیاسی برای ورود به عرصه ی انتخابات شروع به فعالیت

نمود. گرچه در سال 1942 حسن البنا و عبدالرحمن ناصر از دیگر مؤسسان اخوان نامزد انتخابات شدند ولی به محض گوشزد کردن تفاهم نامه ی تشکیلات با حکومت که قبل از برگزاری انتخابات انجام گرفته بود، از نامزدی چشم پوشیدند. در مقابل، اجازه ی تأسیس شعب جدید و انتشار دوباره ی نشریه ی الإخوان المسلمین (1942-1948) را - به صورت هر پانزده روز یک بار- به دست آوردند. در انتخابات 1944 شش نفر از اعضای اخوان نامزد شدند؛ اما موفقیتی کسب نکردند. فعالیت های تشکیلات بعد از جنگ دوم جهانی سمت و سوی اجتماعی و اقتصادی نیز یافت. شرکت های تجاری، صناعی و زراعی بسیاری به همراه مدارس و مراکز بهداشت تأسیس شد. در مراسمی به مناسب بیستمین سالگرد تشکیلات در ماه ایلول سال 1948، حسن البنا رئیس این حزب، با ارائه ی اطلاعات گوناگونی از فعالیت های حزب، اعلام کرد تعداد شعب در عرض بیست در مصر بالغ بر 2000 و در سودان پنجاه عدد شده و علاوه بر آن در فلسطین، اردن غربی، سوریه، پاکستان و ایران شعباتی دایر کرده اند.

اخوان المسلمین که در مورد فلسطین نیز ارتباطی تنگاتنگ برقرار کرده بود، به ویژه متوجه تهدیدات صهیونیسم شد و برای نجات فلسطین اعلام جهاد نمود. در 15 مایس سال 1948 در جنگ میان عرب و اسرائیل که در پی تأسیس دولت اسرائیل ایجاد شد، اعضای تشکیلات عملاً وارد کارزار شدند. جنبش جهادی هدایت شده توسط اخوان المسلمین واکنش های کشورهای غربی مانند فرانسه، انگلستان و امریکا را در پی داشت. سفرای بزرگ این ممالک در قاهره، به دولت مصر انهدام تشکیلات اخوان المسلمین را توصیه نمودند. در نتیجه حکومت ناصر با دست آویز قرار دادن آماده شدن حزب اخوان المسلمین برای تظاهرات تصمیم به انهدام تشکیلات و مصادره ی تمام اموال آنان گرفت (8 آرایق سال 1948). این تصمیم واکنش هایی سخت را در پی داشت و رئیس جمهور نقراشی پاشا بیست روز بعد به دست یکی از اعضای جوان حزب کشته شد. در 12 شباط 1949 حسن البنا نیز قربانی سوء قصدی شد که حکومت ترتیب داده بود. ابراهیم عبدالهادی که بعد از نقراشی برای ریاست دولت تعیین شده بود، در مقابل اخوان المسلمین سیاستی مبتنی بر فشار و شکنجه ای اسفناک در پیش گرفته بود، 4000 نفر از اعضای این تشکیلات را در عرض چهار ماه دستگیر نمود.

در ماه اجاق 1950، بعد از تشکیل حکومت نحّاس پاشا، کم کم فشارهای وارد بر تشکیلات اخوان رو به کاستی گرفت و با استفاده از این فرصت، انتشار نشریه الدعوة آغاز گردید (30 اجاق 1951). مهم ترین موضوع مصر در این دوره خروج واحدهای انگلستان از مملکت بود. اخوان المسلمین با تمام قدرت وارد این منازعه شد و سیاست نحّاس پاشا را به دست گرفت. اما بر سر موضوع جانشینی حسن البنا فکیدی درگیری پیش آمد و تشکیلات دچار تزلزل شد. ماه اکیم 1951، با شروع مسؤولیت حسن الحدیبی تلاطمات درون حزبی خاموشی گرفت. رهبر جدید، با اتخاذ تصمیم برای انحلال تفاهم نامه ی میان مصر و انگلیس در سال 1936، علیه انگلستان اعلام جهاد کرد و برای تحقق این هدف، در تأسیس واحدهای ملیس در منطقه ی کانال نقش فعالی ایفا نمود. بسیاری از اعضای اخوان با این اقدام موافقت کردند. در جنبش افسران آزاد (الدّبة الأحرار) در 23 ماه تموز 1952 و به دست آوردن قدرت، اخوان المسلمین به حمایت از کودتاگران پرداخت و در بیانیه ای که چهار روز بعد منتشر کرد، این اقدام را « حرکتی مبارک» توصیف کرد.

روابط بین اخوان المسلمین و افسران آزاده، از اوایل جنگ دوم جهانی آغاز شده بود و در طول سال های جنگ نیز توسعه یافته بود؛ طوریکه در جنگ اعراب و اسرائیل امکان یافتند دوشادوش یکدیگر بجنگند. میان تشکیلات و مجمعی که بعد از اختلال برپا شد رابط نزدیکتری جریان داشت.

با وجود اینکه حکومت جدید تمام پارتی‌ها را تعطیل کرد (ماه ایلول 1952) اما به اخوان به شرط عدم فعالیت سیاسی اجازه‌ی فعالیت داده شد. اما دیری نپایید که میان کودتاگران و مخالفان حکومت در مورد اجرای سیاست جدید حکومت و اخوان المسلمین که آرزوی تشکیل دولتی مطابق با موازین اسلامی را هدف گرفته بود، اختلاف نظر رخ داد. در نهایت به دنبال درخواست حکومت از اخوان برای تطبیق نظام الخاص با برنامه‌های دولتی، ارتباطشان با همدیگر قطع شد. در مورخه‌ی روز 15 ماه اجاق 1954 با تصمیم مسؤولان حکومتی در جلسه‌ای مبنی بر سیاسی بودن تشکیلات اخوان، این حزب تعطیل شد. علاوه بر آن با اتهاماتی مانند برهم زدن نظم موجود و دیدارهای پنهانی با انگلیسی‌ها، رهبر و بسیاری از اعضای پیشرو تشکیلات اخوان دستگیر شدند و بر علیه آن، نشریات افشاگرانه - بیبراتیجی - آغاز شد. به سبب تشدید اختلافات واقع در جلسه‌ی اختلال و افشای استعفای ژنرال محمد نجیب 25 ماه شبات 1954 - بدون اطلاع خودش -، مردم حامی او به رهبری اخوان المسلمین به مدافعه برخاستند و در نهایت دوباره به جمع هیات حاکمه برگشت و ریاست مجمع اختلال را حفظ نمود. به دنبال این حوادث رئیس و اعضای دستگیر شده‌ی اخوان المسلمین آزاد شدند و مجمع اختلال به سبب اجرای تصمیمات گرفته شده در باره‌ی آنها عذرخواهی کرد. به محض اعلام نسق یافتن پارلمان‌ها، سانسورهای آغاز شده رفع شد و آزادی‌های قانونی باز پس داده شد. اخوان المسلمین تمام این پیشرفت‌ها را با ممنونیت استقبال می‌کرد و از نو آغاز به انتشار هفته‌نامه‌ی الإخوان المسلمین را در ماه مایس 1954 نمود. اما این نشریه بعد از دوازده شماره دوباره تعطیل شد.

روز 26 ماه اکیم 1954 اتهام اخوان المسلمین در ترتیب سوء قصد نافرجامی به جمال عبدالناصر، نقطه عطف مهمی در تاریخ این تشکیلات است. گرچه مانند تمام موارد دیگر بعدها روشن شد این حادثه را هم حکومت ترتیب داده بود. اما تشکیلات مسؤول این سوء قصد شناخته شد و غیر قانونی اعلام گردید. هزاران عضو این تشکیلات زندانی شدند و روز چهارم ماه ارایق 1954 هفت تن از رهبران به اعدام محکوم شدند. به درخواست بعضی از رهبران دولت‌های اسلامی حکم رهبر اخوان المسلمین، حسن البنا، از اعدام به حبس ابد تقلیل یافت و دیگر رهبران اعدام شدند (9 ارایق 1954). در مورد اعضای زندانی اخوان شکنجه‌های سنگینی اعمال شد. از ماه اکیم 1954 تا اوایل 1955 بیست و هفت نفر از اعضا زیر شکنجه‌ها جان باختند و ماه حزیران 1957 نیز بیست و دو نفر دیگر تیر باران شدند. اخوان المسلمین پس از این تاریخ آغاز به فعالیت‌های زیر زمینی نمود. در ماه‌های نخست 1955 بسیاری از دستگیر شدگان به صورت مشروط و یا به دلایلی مانند نامساعد بودن شرایط جسمی آزاد شدند. اما در ماه اگوستوس همان سال دستگیری وسیعی به شکل ضربتی آغاز شد و تعداد دستگیر شدگان که میانشان زن و دختران جوان نیز قرار داشتند، متجاوز از 20000 نفر بود. در پایان محاکمات، هفت نفر به اعدام و زیاده از صد نفر نیز به حبس با دوره‌های زمانی مختلفی محکوم شدند. برخی از مجازات‌های اعدام به حبس ابد تغییر یافت و مجازات مؤلف تفسیر فی زلال القرآن، سید قطب به همراه یوسف حوآش و عبدالفتاح اسماعیل از 29 ماه آگوستوس 1966 آغاز گردید.

بعد از فوت جمال عبد الناصر (28 ایلول 1970) جانشینش انوار سادات، اعضای محبوس اخوان المسلمین را به تدریج آزاد کرد. دوره‌ی میان 1970-1980 برای تشکیلات با موفقیت توأم بود. به سبب فوت حسن البنا (8 کاسم 1973) که در 15 ماه اکیم 1971 آزاد شده بود، ریاست تشکیلات به دوش عمر التلمسانی افتاد. علی‌رغم عدم قانونی بودن اخوان المسلمین، مانند

گذشته وارد فعالیتهای دولتی شد و ماه تموز 1966 آغاز به باز نشر مجله ی الدّعوة نمود. در این نشریه نقطه نظرات تشکیلات در باره ی موضوعات بسیاری تبیین می شد. به ویژه در آن مطالبی مرتبط با موضوعاتی مانند لزوم رسمیت یافتن تشکیلات و جای گرفتنش در بستری شرعی، امضای تفاهم نامه ی صلح میان انور سادات و اسرائیل در 1979 و ردّ پذیرش اسرائیل به عنوان یک دولت و گشایش سفارت آن در قاهره، منتشر می شد. دوره ی بین 1978-1981 روابط میان اخوان المسلمین و دولت مصر تحت تأثیر انقلاب اسلامی در ایران و تفاهم نامه صلح میان مصر-اسرائیل قرار گرفت و روز نخست ماه ایلول 1981 نشریه ی الدّعوة از سوی حکومت توقیف شد. در این میان عمر التلمسانی که دستگیر شده بود، بعد از به دست گرفتن قدرت توسط حسنی مبارک (6 اکتبر 1981)، آزاد شد. اخوان المسلمین در دوره ی ریاست او بیشتر از هر چیزی به سوی فعالیت های سیاسی سوق داده شد. به سبب عدم اجازه ی دولت برای شرکت مستقل این تشکیلات در انتخابات، با تشکیلات تازه تأسیس وفد در طول انتخابات 1984 همکاری نمود و شش عضو نفر از اعضای خود را به پارلمان گسیل داشت. در دوره ی رهبری جانشین تلمسانی، محمد حامد ابو النصر، زیر چتر حمایت دو حزب عمل و احرار در انتخابات 1987 این تعداد به سی و شش نفر رسید. تشکیلات در انتخابات 1990 با ادعای عدم اجرای درست و وقوع تقلب اشتراک نکرد.

تأثیرات اخوان المسلمین در میانه ی سال های 1990 روی نهادهای مختلفی به ویژه نهادهای دانشجویی و اشتغال، به حدی قوی بود که دولت را اندیشناک نمود. ماه اجاق 1995 با دستگیری بسیاری از رهبران شاخص این تشکیلات به بهانه ی ارتباط با تروریست ها، روابط میان اخوان و دولت به طور کامل تیره و تار شد. در ماه کاسم 1995 شعبات اخوان در قاهره توقیف شدند و برای بسیاری از اعضای آن در دادگاه های نظامی احکام سنگینی صادر شد؛ و علاوه بر آن تشکیلات اجازه ی شرکت در انتخابات روز 29 کاسم 1995 را نیافت. بعد از وفات محمد حامد ابو النصر در 20 اجاک 1996، مصطفی مشهور به ریاست اخوان برگزیده شد. این دوره بر اساس تصمیم تشکیلات، بعد از این تاریخ، مسؤولیت ریاست مادام العمر نبوده و با قید وجود حق انتخاب مجدد، محدود به دوره ای شش ساله می شد.

فعالیت های و ساختار اداری تشکیلات بر اساس یک قانون درون سازمانی و نظام نامه ای در تبیین آن، نسق می یافت. مجلس عمومی شورا والاترین ارگان آن بود. این مجلس در سومین گردهمایی قاهره (1935) نظام نامه اخوان المسلمین را تصدیق کرد و این نظام نامه در 1954 با اعمال تغییراتی تحت عنوان قانون النظام الأساسی لهیئت الإخوان المسلمین منتشر شد. این نظام نامه بعدها در تاریخ های گوناگونی دچار تغییراتی شد. نظم نامه ی مبین ماده های قوانین سازمان، روز 2 ماه کاسم 1951 منتشر شد. به سبب اعمال تغییراتی در قوانین سازمانی در 1945، عضویت در تشکیلات در دو مرحله انجام می گرفت: عضو نامزد و عضو مسؤول. عضو نامزد بعد از اثبات لیاقتش در طول شش ماه، با ادای سوگند وابستگی، اذن ورود به میان اعضای مسؤول را کسب می کرد. بنا بر قواعد عمومی، شرط عضویت داشتن 18 سال تمام، برخورداری از وضعیت و اخلاق نیکو، فهم صحیح اندیشه ی اخوان، هر لحظه گوش به زنگ و آماده بودن برای انجام وظیف محوله و پرداخت عواید ماهانه و اشتراک در تأمین نیازهای مادّی تشکیلات.

ارگان های اداری از این قرارند: المرشد العام (ریاست کل). 2. مکتب الإرشاد العام (شعبه ی ارشاد کل). والاترین مقام اداری بوده و امور اجرایی دعوت را سامان می بخشد، سیاست و اداره ی تشکیلات را جهت دهی می نماید. 3. الهیأت التأسیسیّة (هیات مؤسسان). مجلس

شورای عمومی را بر گزار می کند و همزمان مجلس عمومی شعبه ی ارشاد نیز شناخته می شود. کمسیون فرق الأخوات المسلمات به عنوان نماینده ی بخش خواهران تشکیلات، بار نخست در 1932 تشکیل جلسه داد و و بار دیگر در 1933 نظام نامه ی داخلی خود را منتشر نمود. به سال 1948 و قبل از تعطیلی، تعداد 5000 عضو در پنجاه شعبه ثبت شده بودند. در سال 1954 نیز تعداد شعبه های تشکیلات از مرز 250 گذشت. در سال 1951 با انتشار نظام نامه ای در بخش خواهران، فعالیت زنان در بخش آموزش، بهداشت و دیگر فعالیت های اجتماعی تشدید یافت. در مکتبه الإرشاد العام، علاوه بر بخش زنان، دانشجویان، کارگران، رنجبران، کمسیون ارتباطات میان ملل اسلامی و ملی با کمسیون سیاسی مرتبط هستند. ساختار اداری تشکیلات در مصر و دیگر کشورها، مستقل از یکدیگر توسعه یافتند. در تشکیلات اخوان المسلمین دیگر کشورها به جز مصر، به والاترین رهبر المراقب العام گفته می شود که یاد آور این است که این مقام از نظر سلسله مراتب تشکیلاتی یک مرتبه پایین تر از المرشد العام می باشد.

اخوان المسلمین با فعالیت در زمینه های سیاسی، علمی، ورزشی، فرهنگی و اجتماعی به عنوان تشکیلاتی با اهداف و جهت گیری های متعدد توسعه یافته است. این تشکیلات در داخل از اصلاح اداری و در خارج سامان دهی ارتباطات میان کشورهای اسلامی مدافعه کرده است. مؤسس آن حسن البنا، دولت مورد پذیرش خود را به عنوان دولتی متمایز کرده است که اصلاحات را برتابد. نکته ی مهم در این برنامه ی اصلاحی این است که فرد، خانواده، دولت و تمام بشریت را در بر گیرد.

در طول ده سال نخست میان 1928- 1938 اخوان المسلمین تمام فعالیت های اخوان المسلمین شامل شناساندن و ترویج ایدئولوژی خود در میان جامعه از طریق تدریس، کنفرانس، خطبه و گردهمایی ها، تمرکز یافته بود. کمپ ها و بخش های سیر و سیر و سیاحت به این منظور راه اندازی شدند و رسالات و نشریات انتشار یافتند. مهم ترین نشریه از میان نشریه های روزانه، هفتگی و ماهانه، نشریه ی الإخوان المسلمین است که به عنوان ارگانی رسمی در دوره های گوناگون اقدام به انتشار روزنامه، هفته نامه، پانزده روز یکبار نمود؛ همچنین مجله ای دیگر با همان نام و نشریات الشّهاب، الکشکول، التّعارف، الشّعاع، النّظیر، المباحث، الدّعوة، منزل الوحی، منبر الشّرق، المسلمین و المنار می باشند. اخوان المسلمین همزمان برای فعالیت های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی هم اهمیت قائل بود. این تشکیلات در مورد اصلاح رویه علمی دانشگاه الأزهر که در زمینه ی آموزش فرهنگ اسلامی از مهم ترین مراکز علمی شناخته میشود، و تنظیم مجدد برنامه ی درسی دانشگاه ها و مدارس هم پیشنهاداتی ارائه کرد. تشکیلات اخوان با تبیین پذیرش قانون اساسی و سیستم پارلمانی با بعضی نظرات و انتقادات، مدافع برچیدن تمام احزاب سیاسی و حزبرایی بود. زیرا معتقد بود تحزب و احزاب امت اسلامی را از هم جدا می کنند. اخوان برای رهایی از فشارهای فرهنگی، سیاسی و اقتصادی بیگانگان و علاوه بر این، برای کسب استقلال تمام اعراب و دیگر کشورهای مسلمان و به رسمیت شناختن حقوق اقلیت برای مسلمانان ساکن در دیگر کشورها تلاش کرده است. اخوان المسلمین با حمایت از نبردهای جاری در فلسطین بر علیه قیمومیت انگلیس بر این کشور، لایحه ی مطرح شده ی انگلستان در سال 1937 درباره ی تقسیم فلسطین را رد کرد. از سوی دیگر، اخوان المسلمین با عطف به مسائل کشورهای مسلمان غیر از مصر، از فعالیت های آنان در موارد متعددی حمایت نموده است.

حرکت اخوان المسلمین در خارج از مصر

اخوان المسلمین، تقریباً از میانه ی 1930 غیر از مصر در کشورهای سوریه، سودان، اردن، کویت، یمن، پاکستان، آفریقای شرقی و میانه و بعضی کشورهای اروپایی شعباتی تأسیس کرد و در این سرزمین ها تحت عناوین متفاوتی در بر پای نهادهای مختلفی نقش بزرگی ایفا کرده است.

سوریه.

تشکیلات اخوان شعبه ی خود را در سوریه ی تحت اشغال فرانسه در 1937 برپا نهاد. مصطفی السبّاعی فردی مرثر در تقویت و رواج اخوان در سوریه بود. او که حین تحصیل در قاهره با حسن البنا آشنا شده بود، هنگام رجعت به سوریه در سال های 1945-1946 قبل از هر کاری بعضی مجامع سوری را تحت لوای اخوان المسلمین گرد هم آورد و خود نیز به عنوان المراقب العام بر گزیده شد. اخوان المسلمین در بحبوحه ی بحران رهبری که بعد از اجبار فرانسه به خارج کردن سربازانش از سوریه در سال 1947 ایجاد شده بود، نقشی فعال داشت و با شرکت در انتخابات 1947 مورد عطف مردم قرار گرفت. تشکیلات اخوان بعد از شکست اعراب در 1948 در فلسطین، با ادامه ی فعالیتهای مشترک با اروپا مخالفت نمود و در شهرها نیروی مضاعف گرفت.

اخوان المسلمین با تشدید فشارها در 1949 که روی هم رفته سال اصابت ضربات بسیاری در سوریه بود، به هدف تداوم فعالیت های سیاسی خود به همراه برخی تشکیلات های دیگر الجبهة الإشتراکیّة الإسلامی را بنیان نهادند. سوسیالیسم اسلامی رایج در سازمان اخوان المسلمین سوریه در این دوره، توسط مصطفی السبّاعی به سال 1959 در کتابی تحت عنوان إشتراکیّة الإسلام به نگارش در آمد. پس از ممنوعیت اخوان در مصر در سال 1954، شعبه ی سوریه نیز با توقّف فعالیت های سیاسی، اکثراً به فعالیت های تعلیمی تغییر جهت داد. در این میان نمایندگان شعب سوریه، عراق، اردن و سودان در شهر شام گرد هم آمدند و تصمیم گرفتند در بدنه ی حکومت ها و مردم مخالف با تشکیلات افسران آزاد به فعالیت های تبلیغی بپردازند. سال 1957 مصطفی السبّاعی به دنبال بیماری، مسؤولیت خود را به اسلام العطار سپرد. نتیجه ی تلاش های حزب حاکم بعث در سوریه در 1958 وحدت با مصر و تعطیلی فعالیتهای تشکیلات سیاسی در هر دو کشور، و از جمله اخوان المسلمین، بود. به این سبب در 1961 اعضای اخوان المسلمین در رأس حامیان جدایی سوریه از مصر قرار گرفتند و بعد از این دوره، با بازگشایی تشکیلات، فعالیتهای سیاسی خود سرعت بیشتری دادند. در 1962 با شرکت در انتخابات، ده کرسی از پارلمان را به دست آوردند.

بعد از قدرت گیری مجدد حزب بعث (1963) اصطکاک آغاز شده میان تشکیلات و حکومت سوریه تا به امروز (2000) ادامه داشته است. در این دوره اخوان المسلمین به عنوان منتقد سیاست لائیک دولت توقیف و رهبر آن، اسلام العطار، نیز تبعید گردید. به دنبال شکست اعراب از اسرائیل در 1937 در مورد نوع رابطه با دولت میان اعضای اخوان المسلمین سوریه اختلاف نظر روی داد. گروه شام با حمایت از اسلام العطار خواهان اتخاذ حرکتی علمی و فرهنگی در قبال حکومت بود. گروه گرد آمده حول مروان حدید هم خواستار آغاز جهادی مسلحانه علیه رژیم بعث سوریه بود. بحران ناشی از این اختلاف نظر، منتج به دو پارچگی تشکیلات در 1970 شد. حافظ اسد با به دست گرفتن قدرت در 1971 سیاستی ضد دینی را اتخاذ نمود و این امر منجر به تیرگی رابطه ی گروه شام با حکومت سوریه گردید. تشکیلات اخوان در سال 1973 با مخالف علیه «دموکراتیک، مردمی و سوسیالیست» معرفی شدن دولت در قانون اساسی، مدافع لزوم افزودن ماده ای به این قانون و ذکر اسلام به عنوان دین رسمی دولت شد. این امر بایکوت ها و تحریمات وسیعی علیه رژیم را در بر داشت که احاد مردمی نیز در ان اشتراک جستند.

گرچه در نتیجه این حرکت برخی تغییرات در سیاست اسد اعمال شد و نوعی تسامح در فعالیت های تشکیلات اخوان علیه حکومت نیز به سبب موقعیت جنگی در سال 1973 به چشم می خورد. اما این وضعیت چندان دوام نداشت. بعد از انتخاب عدنان سعد الدین به عنوان المراقب العام در تشکیلات در 1975، روابط میان اخوان و حکومت دوباره به تیرگی گرایید. اسد از مارونی ها و اسرائیلیان، علیه گروه های مسلمان در جریان جنگ های داخلی لبنان در ماه حزیران 1976 حمایت نمود و این کار سبب شد به گماشتگی و مأمور آمریکاییان متهم شود. به دنبال دخالت سوریه در جنگ داخلی لبنان اخوان المسلمین نیز علیه رژیم اسد فتوای جهاد داد و حمله به نیروهای پلیس و سرباز را آغاز نمود. این امر در اوایل 1980 اعتصابات و تظاهرات وسیعی به دنبال داشت. تدابیر خشونت آمیز اسد به هدف پایان بخشی به فعالیت های اخوان المسلمین، نه تنها از تأثیر این تشکیلات در سوریه نکاست بلکه به همان اندازه افزایش حمایت مردم و گروه های داخلی را در بر داشت. به این سبب با استناد به قانون 49 شماره ای منتشر شده در 7 ماه حزیران 1980 عضویت در این تشکیلات، حتی اعلام همدلی و موافقت با آن به هر نحوی ممنوع شد. مجازات اخلال در این قانون اعدام بود. اخوان المسلمین 25 عضویت در ایت تشکیلات و یا همسویی و تفاهم با آن به هر نحوی ممنوع اعلام شد. مجازات سرپیچی از این قانون مرگ بود.

حزیران 1980 به دنبال سوء قصد نافرجامی به جان اسد، 5000 نفر از اعضای اخوان دستگیر و بسیاری دیگر نیز کشته شدند. بعد از این حادثه، تشکیلات اخوان به سازماندهی مجدد و اعمال تغییراتی در تاکتیکهایش روی آورد. ماه اکتبر 1980 تشکیلات اخوان المسلمین توانست بسیاری از اعضا را حول خود سازماندهی نماید و به رهبری شیخ محمد ابو نصر البیانونی، عدنان سعد الدین و سعید حوّا، الجبهة الإسلامية فی السوریه را تشکیل داد. مضاف بر آن، جبهه با پذیرش عقایدی که تا آن هنگام از سوی تشکیلات اخوان المسلمین بیان شده بود، مجموعه ی این مرامنامه ها را به نام بیانات و میثاق، در دو نوبت به چاپ سپرده و به همگان رسانده و در معرض رأی گیری قرار داد. اما حکومت سوریه نیز به دنبال درگیری ها و اغتشاشات و اعتصابات چند ساله ی مسلحانه، با هدف برقراری دوباره ی نفوذ و اقتدار متزلزل خود، به فعالیت های گسترده و وسیعی اقدام نمود و واحدهای نظامی دولت در ماه شباط 1982، شهر حماه را که در حکم قلعه ی دفاعی تشکیلات اخوان المسلمون بود، مورد حمله ی هوایی و زمینی قرار دادند. در این حملات هزاران نفر کشته شدند و شهر تخریب شد.

پس از وقایع حماه، درون جبهه ی اسلام مناقشات و چند پارچگی های مختلفی ایجاد شد و پیشروان حرکت از سوریه خارج شدند. در طول سال های 1980-2000 حوادث بین المللی در سمت و سوگیری اخوان سوریه نقشی قاطع داشت. گروه گرد آمده پیرامون عدنان سعدالدین که آیت الله خمینی انتظاراتش را برآورده نساخته بود، طرفداری از عراق را در پیش گرفتند. به دنبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی پس از جنگ خلیج فارس، حکومت اسد در آستانه ی دیدارهای صلح آمیز سوریه با اسرائیل، نیاز به تعقیب سیاستی عالمانه تر در برابر اخوان المسلمین را حس کرده بود و در این راستا، بسیاری از اعضای زندانی این سازمان را آزاد کرد. در طول سالیان گذشته، کادر رهبری اخوان با مثبت ارزیابی کردن سیاست های اخیر اسد، دستور جهاد علیه دولت او را متوقف نمودند.

اردن و فلسطین.

شاخه ی اخوان المسلمین در اردن سال 1946 در شهر سلت به قیادت حاج عبداللطیف القری تشکیل شد و به شرط عدم دخالت در سیاست تأیید پادشاه عبدالله را جلب نمود. پس از جنگ

اعراب- اسرائیل در سال 1948 با قدرت گیری در شرف غربی روندی سیاسی گرفت. بعد از وفات حاج عبداللطیف القری در 1953، عبدالرحمن الخلیفه ریاست این سازمان را به دست آورد. علی رغم اعمال ممنوعیت دور و دراز برای دیگر تشکیلات سیاسی از سوی رژیم، اخوان المسلمین به عنوان سازمانی مشروع پذیرفته شد و اجازه ی فعالیت یافت. علی رغم دستگیری رهبران اخوان المسلمین توسط دولت اردن به قصد کنترل حرکت‌های این تشکیلات، رهبران آن در طول سال‌های 1950-1960 عموماً ارتباط مسالمت آمیزی با شاه حسین برقرار کردند و سیاست‌های او را در مقابله با گروه‌های کمونیسم، بعثگرا و ناصری به دست گرفتند. تقریباً بعد از 1951 نیز وارد انتخابات شدند و کرسی‌های پارلمانی را اشغال نمودند. سال 1962 با بایکوت و تحریم تمام انتخابات در شرف غربی از سوی پارتی‌های سیاسی، تشکیلات اخوان تنها سازمانی بود که وارد جریان تحریم نشد. سال 1967 بعد از اشغال شرف غربی توسط اسرائیل، برخی از اعضای تشکیلات در صفوف سازمان آزادیبخش فلسطین به نبرد مسلحانه با اسرائیل روی آوردند. سال 1970 نیز همسو با تجدید حیات حرکات اسلامی، نیرویی مضاعف یافت.

اخوان المسلمین، تقریباً از اوائل 1980، مشروعیت رژیم را زیر سؤال برده و فعالیت‌های اجرائی آن را به شدت مورد نقد قرار دادند. به این سبب از نظر دولت خطرناک تشخیص داده شدند و بعضی از اعضای دستگیر شدند. تصمیم شاه حسین مبنی بر برگزاری انتخابات در سال 1986، منجر به اتخاذ رابطه ی مسالمت آمیزی با تشکیلات اخوان شد. تشکیلات که وارد انتخاب شده بود، موفق شد 40% از صندلی‌های پارلمان را به دست آورد. تشکیلات نزدیک به اخوان نیز توانستند دوازده صندلی را به دست آورند که در نتیجه ی آن، تعادل در پارلمان به نفع تشکیلات تغییر یافت و مدافعان تصویب قوانین مبتنی بر دین اسلام افزونی یافتند. تشکیلات اخوان المسلمین تقریباً از 1950 به عنوان یک نهاد دینی خیریه به ثبت رسید و با تشکیلات مستقلی که در مورد عدم تحریم انتخابات نزدیکی فکری داشتند به ایجاد رابطه پرداخت و در شباط 1993 نهاد جبهه العمل الإسلامیّه را تأسیس کرد و در انتخابات موفقیتی غیر قابل تحقیر کسب نمود.

سودان.

سودان به واسطه ی دانشجویان محصل در مصر و در سال 1940 اخوان را شناخت. تشکیلات به ویژه توسط اعضای گروه‌های سیاسی مختلف پا گرفت و تحت تأثیر آن بعضی اعضای نزدیک به گروه‌های کمونیست از جمله بابکر کرار و محمد یوسف و برخی دیگر از دوستانشان حرکت التحریر الإسلامیّه را بنا نهادند. این دو ملهم از اسلام عوامانه ی کمونیستی به فکر ایجاد یک حکومت اسلامی سوسیالیست بودند. بسیاری از دانشجویانی که در 1950 به عضویت حرکت الإسلامی در آمدند، در آن واحد خود را متعلق به اخوان المسلمین نیز می دانستند. مخالفت کرار با نزدیکی با اخوان المسلمین باعث بروز مباحثاتی در میان این گروه شد. برای فرو نشانیدن مجادلات در 21 آگوستوس 1954، کنگره ای تحت نام مؤتمر العدّ تشکیل شد. در این کنگره تأسیس اخوان المسلمین در سودان رسماً اعلام شد و رشید طاهر به عنوان المراقب العام برگزیده شد. تشکیلات که پیشتر از این در باره خروج نیروهای انگلیسی از سودان، با اخوان مصر متحد بود، بعد از سوء قصد به جمال عبدالناصر و اعمال فشار به تشکیلات اخوان در مصر به سبب آن، به نحوی کاملاً مستقلانه تغییر اندیشه داد. و به محض تصمیم به اعلام استقلال کشور، در ماه آریلیک 1955 نهاد الجبهه الإسلامیّه لالدستور را تأسیس کرد.

بعد از کودتای ژنرال ابراهیم عبدود در 1958 وارد آورد، تمام تشکیلات سیاسی توقیف شد. با این حال به اخوان المسلمین به عنوان تشکیلاتی دینی اجازه ی فعالیت داده شد. اما در 9 کاسم 1959 با تفهیم اتهام توطئه و آمادگی ضربه زدن به حکومت نظامی از سوی رشید طاهر،

المراقب العام، و برخی دیگر، تصمیم بر ممنوعیت تعطیلی این حزب گرفته شد. اخوان المسلمین در سال 1964 با برکناری ژنرال عبدود از قدرت، به جنبش مردمی مدافع تداوم حکومت او پیوست. بعد از این تاریخ رهبر این تشکیلات حسن الترابی شد که در ماه آریلیک 1964 جبهه الميثاق الإسلامی را به هدف گسترش ترویج و بنیان گیری گسترده بنا نهاد. تشکیلات با افزایش و سنگینی جنبه ی سیاسی فعالیت های خود، مساله ی تطبیق قانون اساسی با موازین شرعی را که از دیر باز پیگیری می نمود، به عنوان مساله ی روز، دوباره مطرح کرد. به دنبالش نیز با اشتراک در انتخابات ماه مایس 1965 وارد پارلمان شد و به همراه حزب الأمة به ریاست صادق المهدي، فعالیت خود علیه کمونیسم و تصویب قانون اساسی اسلامی را شدت بخشیدند.

بعد از کودتای نظامی نمیری (1969) ترابی و بسیاری از دیگر اعضای کادر ریاست اخوان المسلمین دستگیر و برخی نیز کشته شدند. وقوع کودتای چپ گراها در ماه تموز 1971 راه را برای بهبود ارتباط نمیری با احاد دینی هموار نمود و زمینه ی گسترش فعالیت های ترابی که همان سال از حبس آزاد شده بود، ایجاد کرد. انجمن های دانشجویی تحت کنترل اخوان المسلمین در آمد. سیاست اسلامی کردن قوانین که بعد از اعلام اسلام به عنوان منبع اصلی در تدوین قانون اساسی در سال 1973 آغاز شده بود، مورد حمایت تشکیلات اخوان قرار گرفت. در سال های 1977-1978 آشتی و تفاهم ملّی روی داد. بعد از آن، دوره ی تقویت اخوان المسلمین و احراز موقعیت های برتر توسط اعضای آن آغاز شد.

حسن البنا به منظور انجام وظیفه ی تطبیق قوانین با شریعت، مقام ریاست دادستانی را عهده دار شد (1979). در نیسان 1984 برای تشدید روند سیاست اسلامی کردن قوانین با نسج گرفتن وضعیتی فوق العاده، در محکمه هایی موسوم به محاکم التّواری (محاکم الإستثنائیة) اکثرأ اعضای اخوان المسلمین به خدمت گرفته شدند. تشکیلات به حدی نیرو گرفته بود که سلطه ی رژیم را زیر سؤال می برد. از این رو رهبران آن در مارس 1985 به بهانه های گوناگون دستگیر شدند. در ماه نیسان نمیری توسط مردم و با اشتراک تشکیلات، از حکومت برکنار شد. به دنبال این اتفاق اخوان المسلمین با همراهی دیگر گروه های مسلمان کنگره ای تشکیل دادند و الجبهة القومیة الإسلامیة را تشکیل دادند. این حزب در انتخابات نیسان 1986 بعد از احزاب سنتی حزب الأمة و حزب الإتحاد الديموکراتی، رتبه ی سوم را کسب نمود. اخوان به دنبال مخالفت اولیه ی خود، در نهایت با حکومت روی کار آمده بعد از فروپاشی دولت قبلی در ماه مایس 1988 اعلام موافقت نمود و حسن الترابی دیوان عدلیه و ریاست دادستانی را به دست آورد. این حکومت در 30 حزیران 1989 با یک کودتا به دست حسن البشیر، از فرماندهان نظامی، فرو پاشید. حسن البشیر توانست اداره امور و حمایت جبهه القومیة الإسلامیة را از طریق سیاست های در پیش گرفته ی خود جلب نماید و در نتیجه اعضای این جبهه ریاست وزارت های مختلف را در حکومت جدید به دست آوردند و تداوم شرعی سازی قانون اساسی، در مسیری که نمیری آغاز کرده بود، ممکن شد.

حسن الترابی در طول سالیان متمادی بعد از حسن البشیر، مهم ترین شخصیت کشور محسوب می شد و تلاش داشت امکانات را به انحصار خود در آورد و این امر، بشیر را از حکومت و سلطه ی خود اندیشناک می کرد. اعضای جبهه القومیة الإسلامیة اکثریت پارلمان را در دست داشتند. آنها مساله ی تغییرات در قانون اساسی که اختیارات رهبر حکومت را محدود می کرد، دوباره مطرح کردند. در نتیجه حسن البشیر در ماه آریلیک 1999 به بهانه ی حفظ تمامیت ارضی و نظام موجود، پارلمان را تعطیل و اعلام وضعیت فوق العاده نمود.

دیدگاه های اخوان المسلمین

حرکت اخوان المسلمین را می توان به عنوان تداوم حرکات اصلاحی در جهت حفظ موقعیت مسلمانان بر علیه فرهنگ غربی در نظر گرفت، که در سال های پایانی قرن بیست و یکم ایجاد شد. جنبش اصلاحی که توسط جمال الدین افغانی و شاگردش محمد عبده به راه افتاده بود، با دو شعبه ی لیبرال و رادیکال تداوم یافت. این جنبش در سطحی فکری قرار داشت و و به جنبشی مردم بدل نشده بود. حسن البنا با تأثیرگیری از رشید رضا، نماینده ی شعبه ی افراطی و رادیکال، عقیده داشت مشکلات اسلام تنها با اصلاح جامعه حل خواهد شد. او جنبش خود را حول این اندیشه شکل داد. او تأکید داشت که درکش از اسلام، جدید و بدیع نیست و این تأکید بر روی تعریف اخوان المسلمین، اهداف آن و روش وصول به این اهداف تأثیری واقعی بر جا گذاشت. به عقیده ی کل اعضای اخوان، بنا بر آن درک خاص که در طول تاریخ تشکیلات اخوان تغییری نیافت، احکام و آموزه های اسلامی امور دنیوی و اخروی انسان ها را تنظیم می کنند. اسلام هم اعتقاد است هم عبادت هم دین و هم دولت. اخوان المسلمین روی کتاب و سنت تأکید بسیاری دارد و درک خود از اسلام را متابع درک صحابه، تابعین و سلف صالح تبیین می کند. بنا به این ادراک، اسلام را نباید همرنگ عصر و جهان معاصر نمود بلکه عصر را باید با اسلام همرنگ کرد. [1] اخوان المسلمین حرکتی با ابعادی سلفی، سنتی، صوفی، سیاسی، اقتصادی، علمی، فرهنگی، و ورزشی است. [2] حسن البنا اهداف این حرکت را به دو صورت اهداف اساسی و اهداف ویژه در نظر می گیرد. نخستین مورد از اهداف اساسی آزاد کردن خاک تمام کشورهای مسلمان از دست بیگانگان و برقراری آزادی در آنهاست، هدف دوم نیز اجرای احکام اسلامی و اجرای سیستم و نظام اجتماعی اسلام است. اهداف ویژه ی اخوان نیز مرتبط با تغییراتی است که اخوان تلاش دارد در جامعه ایجاد کند. [3] فرد قبل از عضویت در تشکیلات باید از تمام زوایا خود را اصلاح نماید و مطابق با قوانین اسلامی تشکیل خانواده دهد و با قاعده ی امر به معروف و نهی از منکر در جهت اصلاح جامعه تلاش کند. برای رهایی جامعه ی مسلمین از حاکمیت قدرت های امپریالیسم در میادین فرهنگی، فکری، اقتصادی و سیاسی، و تشکیل دولتی مطابق با موازین اسلامی که قادر به برپایی امت اسلامی باشد، وحدتش را حفظ نماید، اسلام را مسلط و حاکم کند و فرهنگ اسلامی را ترویج دهد و برای رفع هرج و مرج گرای و مخالفات بکوشد و برای حاکم شدن اسلام جهاد نماید. [4] اخوان المسلمین با مدافعه از الگوی جامعه ی مبتنی بر اصول دینی، اظهار می کند که چنین سیستمی بیشترین هماهنگی را با انسانیت معاصر دارد. بنا بر تشکیلات که به شدت مخالف جدایی دین از سیاست بودند، احکام شریعت قابلیت تطبیق با تمام مکانها و زمانها را دارا است و این امر هم از منظر دینی و هم از بعد فرهنگی و اجتماعی امری اجتناب ناپذیر است. اسلام به سبب پیش بینی و درج تمام اوامر و احکام مرتبط و مستند به هم در بستری اجتماعی، باید به طور کامل اجرا شود؛ نباید برخی به دست گرفته شود و برخی دیگر رها گردد. اخوان المسلمین با اصرار بر جدایی شریعت از فقه معتقدند که احکام فقهی می توانند تاریخی باشند. اما شرعیات در تمام زمان ها و مکان ها جریان دارند. گشوده بودن متدوام باب اجتهاد نیز برای جوامع مسلمان امکان می دهد مسائل خود را به شکلی اسلامی حل و فصل نمایند.

اخوان المسلمین با یاد آوری و هدف قرار دادن تلقی سنتی از سیاست اسلامی، تأکید می ورزد که سیستم مورد نظر، نه دموکراسی است و نه دیکتاتوری. بنابراین به سبب عدم برخورداری حاکم از مقامی قدسی، اوامر تبیین شده در قرآن و سنت هم برای حاکم و هم برای مردم تحت حکومت، لازم الاجرا می باشد. ریاست دولت به انتخاب اهل شوری به عنوان

نمایندگان جامعه، با مشورت با آنها حرکت می کند و از سوی آنها مورد سنجش قرار می گیرد. حسن البنا گرچه الگوی ایده آل و پیشرفته ای از دولت را طرح نکرد، اما خطوط کلی و بعضی موارد آن را ترسیم نمود. زیرا حکومت اسلامی در محدوده ی مرزهای جغرافیایی مشخصی قابل تعریف نیست؛ روابط مبتنی بر پیوستگی های خونی در آن اعتباری ندارد و تمام مسلمانان را امتی واحد می شمارد. خلافت سمبلی از وحدت اسلامی، عامل ارتباط کشورهای مسلمان با هم و شعار اسلام است. خلیفه هم مجری احکام نظام الهی است. به عقیده حسن البنا، مؤلفه های اداره ی سیاسی در اسلام را مسولیت رئیس دولت در برابر خدا و مردم، احترام به وحدت امت و اراده ی امت تشکیل می دهد.

حسن البنا، در قالب نظام تشکیلات اخوان، به تبیین هر آنچه از نقطه نظر خودشان مورد پذیرش است و آنچه مورد پذیرش نیست، سخن گفته و این روش بعدها توسط رهبران دیگر تشکیلات هم ادامه یافته است. حسن البنا به عنوان یک اصل، با موافقت با دولتی منطبق بر قانون اساسی، معتقد است قانون اساسی فعلی مصر بر اساس قانون اساسی کشورهای غربی نوشته شده و به این واسطه حاوی نکاتی است که با اسلام تناسبی ندارند، بنابراین لازم است تغییر یابد. زیرا قانون حافظ آزادی فردی و شخصی، مستند به اصل شوری و در هر کاری مبین مسؤولیت مدیران جامعه در برابر مردم است که نیروی خود را از ملت دریافت می کنند. قانون اساسی محدود کننده ی هر گونه سلطه ای می باشد و هیچ راه گریزی برای عدم تطبیق قانون اساسی با مؤلفه ها و قواعد و نظامات اداری اسلامی وجود ندارد. به این حسن البنا اظهار می کند که سیستم منطبق با قانون اساسی نزدیکترین نظام به شیوه ی اداری اسلام در روی زمین است. [5] حسن البنا، در مورد احزاب سیاسی به عنوان یکی از عناصر حکومت های دموکراتیک چنین رویکرد مثبتی از خود نشان نداده است. زیرا همانطور که برای فعالیت قانونی نظام های پارلمانی، اجباری به وجود احزاب نیست؛ به همان نحو، احزاب هم خودخواهی، خصومت میان انسان ها و فرصت طلبی را ترویج و پرورش می دهند. علی رغم اینکه مؤسسان اخوان المسلمین در تقابل با احزاب سیاسی مخالف اینگونه رفتارهای منفی بودند، به دنبال کسب زمینه های مشروعیت در مصر - که تقریباً از میانه ی سال 1970 دوباره وارد سیستمی با احزاب متکثر شد- قبل از هر کاری تلاش کردند حزبی سیاسی تشکیل دهند. تا اخذ مجوز تأسیس حزب هم با احزاب سیاسی مختلفی هم پیمان شدند و به اتفاق همدیگر در انتخابات شرکت نمودند و نماینده ای در مجلس داشتند.

اخوان المسلمین در بستر یک حکومت اسلامی مدافع وجود سیستمی با عناصر منحصر به فرد در اقتصاد اسلامی بودند که هیچ ربطی به کاپیتالیسم و سوسیالیسم ندارد. نقطه نظرات تشکیلات در این مورد، بیش از همه در آثار سید قطب نسج گرفته است. اسلام برای برپایی عدالت که مشمول اقتصاد هم می شود، سه اصل در میان نهاده است: آزادی مطلق وجدان، برابری کامل میان انسان ها و هم رأیی و تعاملات متقابل. [6] اسلام همراه با به رسمیت شناختن حق تمالک فردی، حد و حصری برای آن قائل است و این میحث را بی حد و مرز مشخصی رها نکرده است. تمالک مال، به طور عمومی هر قدر که حقی متعلق به جامعه است، به همان اندازه هم مالی که در تملک فرد است به جامعه و جامعه نیز به مالک حقیقی همه چیز یعنی خدا موقوف است. فرد می تواند در محدوده ی قانونی صاحب دارای باشد و بیش از تصاحب، محافظ آن است. علاوه بر این، اسلام در مورد چگونگی مصرف اموال نیز محدوده هایی معین نموده است. اخوان المسلمین در مورد حفظ عدالت اجتماعی، رویکردی ویژه به زکات دارند. زیرا زکات وجبیه ای عبادی و اجتماعی است. [7]

به بیان اخوان المسلمین، در حکومتی که اسلام به معنای کامل خود اجرا شود، فرد دارای یک سری حق و حقوق محفوظ است که باید تأمین شود. به عقیده اخوان، انسان ها نباید از نظر رنگ و نژاد مورد تمایز قرار بگیرند. مسلمین و اهل ذمه وظایف و مسوولیت های مشابهی دارند و در کنار آن، درباره ی اهل ذمه باید قوانین خودشان اعمال گردد. حقوق عبادی، اعتقادی و بیان عقیده، آموزش و مالکیت فردی محفوظ است و تمام این حقوق مقید به احکام شرعی هستند. اخوان المسلمین برای رسیدن به اهداف خود روش هایی مختلف را به کار بسته است. از این میان، آنچه باید در ارتباط با اشغال جامعه ی اسلامی بر علیه بیگانگان تحت پیگیری قرار گیرد، با اهداف مرتبط به اصلاح جامعه متفاوت هستند. به نظر حسن البنا، جهاد علیه امپریالیزم فریضه ی هر مسلمانی است. بنا، گرچه سخنان بسیاری پیرامون جهاد دارد. ولی اندیشه های خود را در این باره نظم و نسق نداده است. حسن البنا مخالف جهاد مسلحانه بود. با این حال تفکرات جهادی این حزب بعد از آغاز رابطه ی اخوان با حکومت ها و به ویژه بعد از 1954 و شکنجه های مختلف اعضای این تشکیلات از سوی جمال عبدالناصر، وارد عرصه هایی بسیار گسترده شد. در این دوره شاهد افراط در اندیشه های اخوان هستیم. سید قطب و حسن البنا تحت تأثیر دوره ی زندگی شان هم تفاوت های فکری دارند. در بیانات بنا به موضوعاتی مانند جاهلیت یا دار الحرب بر نمی خوریم. اما قطب دوره ی خود را جاهلی می دانست و جهاد علیه آن را واجب می شمرد. گرچه اندیشه های رسمی اخوان، تفکرات سید قطب نیست. اما واقعیت این است که تفکرات او جهت حرکت اخوان المسلمین را در سال های 1960 تعیین کرده و در باره ی روی کار آمدن حزب های رادیکال بعد از آن تاریخ نیز نقشی مؤثر ایفا نموده است. اخوان المسلمین بعد از 1970 اعلام نمود که با حرکت در بستر فکری حسن البنا، رویکردی معطوف به پرهیز از درگیری با حکومت و اجتناب هر گونه اندیشه ی تکفیری اتخاذ کرده است و از رفتارهای افراطی و اعلام جهاد بر علیه حکام دوری کرده است.

[1] . مجموعة الرسائل، ص 244.

[2] همان، ص 248-250.

[3] . همان، ص 225 و سایر.

[4] . سعید حوا، تشکیلات برادران مسلمان در سال 50، ص 231، و سایر.

[5] . مجموعة الرسائل، ص 274.

[6] . سید قطب، العدالة الإسلامية فی الإسلام، ص 32 و سایر.

[7] . همان، ص 90-114.

منبع:

حسن البنا، مجموعة الرسائل الإمام الشهيد حسن البنا، بیروت 1965. همان، خاطراتم (ترجمه به ترکی: م. بشیر اریارسوی) استانبول 1981. سید قطب، اشارت های راه (ترجمه اسماعیل نوری) استانبول 1980. همان مؤلف، العدالة الإجتماعیة فی الإسلام، قاهره 1987. سعید حوا، تشکیلات اخوان المسلمین در سال 1950، (ترجمه رمضان نازلی) استانبول 1980. همان مؤلف، المدخل إلى دعوة الإخوان المسلمین، عمان، بی تا. احمد عبدالحنیف خلف الله، فکر التربوی و تطبیقاته لداع جماعة الإخوان المسلمین، قاهره 1404 / 1984. محمد متولّی، الإخوان المسلمین والعمل السیاسی، قاهره 1989. حسن الترابی، الحركة الإسلامية فی السّودان، التّداور والكسب و المنهج، خارطوم، 1410 / 1989. عثمان عبدالمعزّ رسلان، التربية السیاسیة عند جماعة الإخوان المسلمین، محل چاپ نامعلوم، 1990 (دارالتوزیع). صفوت منصور، المنهج الفکر لإلعمل الإسلامیّ: الإخوان المسلمین، قاهره 1991. عینی جدو عبیدی، جماعة الإخوان المسلمین فی الأردن و الفلسطین: 1945-1970، عمان 1991. محمد الطویل، الإخوان فی

البارلمان، قاهره 1992. محمد عبدالحلیم، الإخوان المسلمین، اسکندریة 1414 / 1994، 3
ج. حسن الأشماوی، الإخوان و الثّورة، قاهره 1977. حسن یوسف اشکوری، الإخوان
المسلمین، dmb، ج7، ص 271-281. ابراهیم البیومی قانم، حسن البنّا، dia، ج16، ص 307-
j. reissner. Ideologie und politik der muslimbruder syriens/von den wahlen.310
1947. منبع: دائره المعارف اسلام، وقف سازمان دیانت ترکیه